

خاطرات یک گیشا

mikhanam.com

mikhanam

سرشناسه	: گلندن، تور، ۱۹۵۷، م. Golden, Arthur
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات یک گیشا / آرثور گلندن؛ مترجم مریم بیات؛ ویراستار: الهامه نظری.
مشخصات نشر	: تهران: نشر سخن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۶ ص. ۲۱/۵X۱۲/۵۱ س. م.
شابک	: 978-9644-260-016
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Memoris of a geisha: a novel
موضوع	: داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
موضوع	: American fiction - 20th century
رده‌بندی کنگره	: PS۵۶۷
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۳/۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: PT1۰۱۲۲



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۲۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E-mail: sokhanpub@yahoo.com

Instagram.com/sokhanpublication

Instagram.com/sokhan.novel

Telegram.me/sokhanpub

خاطرات یک گیسا

آرتور گلدن

ترجمه: مریم بیات

ویراستار: کمال اجتماعی جندی

صفحه آرا: نعیمه درویشی

طراحی جلد: فرح فرحی

چاپ چهاردهم: ۱۳۹۹

لیتوگرافی: صدف

چاپ: سامان

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰۰۰۱۶-۷

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۴۵۳۸۰۵ و ۶۶۴۵۳۸۰۴

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۴۵۲۹۹۶

پیشگفتار

"خاطرات یک گیشا" روایتی از خاطرات زندگی زنی گیشا به نام "نیئا سایوری" و دیدگاه و تجربیات او از حرفه گیشاگری در برخورد با مردم و خود زندگی است.

اما آنچه "آرتور گلدن"، نویسنده‌ی آمریکایی این کتاب در سیر داستان به ما نشان می‌دهد، چیزی فراتر از فقط یک زندگی‌نامه است. در واقع در طی این داستان ما با فرهنگ و شیوه‌ی زندگی گیشاهای ژاپنی که در طول زمان گزارش‌ها و شایعات گوناگونی درباره‌شان شنیده‌ایم آشنا می‌شویم. از نوع زندگی گیشاهای ژاپنی مطلع می‌شویم که آداب و رسوم دیرینه خشک و انعطاف‌ناپذیر، همراه با انضباط شبه نظامی حاکم بر زندگی شخصی و اجتماعی‌شان از آنان چهره‌ای مرموز و ناشناخته ساخته است.

آنچه ما را به نگاشتن این پیشگفتار وا داشت، دیدگاه نادرست اغلب خارج‌جهانی است که گیشاها را به نوعی زنان روسپی می‌انگارند. چنین نیست. در همین کتاب، در مواردی چند به قولی از راوی داستان برمی‌خوریم که با اشاره به داستان زندگی گیشایی دیگر نقل می‌کند که در نهایت کارش به تن‌فروشی کشید و آن را مایه‌ی سرافکندگی، شرمساری و کسر شان یک گیشای واقعی می‌داند.

گیشاها زنان خودفروش نیستند. دخترانی هستند که در خردسالی از خانواده‌های تنگ‌دستان به مبلغ ناچیزی خریداری شده و از کودکی با آموزش‌هایی خاص برای ایفای نقش همشینی و مصاحبت با مردان در

چای‌خانه‌ها تربیت می‌شوند. در زبان ژاپنی "گی" به معنای هنر و مهارت و "شا" به معنای شخص است، ترکیب گیشا به معنای آراستگی یک فرد به هنر است. حرفه‌ی گیشاگری در ژاپن قدمتی ۲۰۰ ساله دارد. گیشاگری در میان مردم ژاپن همواره یک مهارت هنری و مقدس تلقی می‌شده است. اشتباه گرفتن آنان با روسپی‌گری، از زمان جنگ جهانی دوم و در بحبوحه‌ی ستیز و خصومت میان دو ملت آمریکا و ژاپن رایج شد. در آن دوران روسپی‌های آمریکایی، برای جلب مشتری کیمونو می‌پوشیدند و چهره‌شان را همانند گیشاهای ژاپنی می‌آراستند و خود را گیشا می‌نامیدند. در حالی که یک گیشا هرگز به خاطر پول تن به خودفروشی نمی‌دهد.

زندگی گیشاها از جهاتی شبیه زندگی زنان تارک دنیا است. گیشا نیز نباید ازدواج کند، در غیر این صورت باید دست از حرفه‌اش بشوید. بسیاری از فعالان حقوق زنان، گیشاگری را نوعی برده‌داری امروزی می‌دانند، که البته پر بیراه نیست. در گذشته اغلب این دختران خردسال در ازای بهایی اندک به گیشاهای کهنه‌کاری فروخته می‌شدند تا زیر دست آنان مهارت‌های لازم این حرفه را فراگیرند. این شاگردها در خانه‌هایی به نام اوکیا اقامت می‌کردند و همه‌ی عمر را صرف آموزش برای کسب مهارت‌های بیشتر در انجام هنرهایی مثل آماده کردن چای، گل‌آرایی، رقص آیینی ژاپن، موسیقی سنتی، سرگرمی‌ها و حاضر جوابی و داستان‌سرایی، به خصوص حماسه‌سرایی و مشاعره می‌کردند. اما امروزه اغلب آنان این هنرها و مهارت‌ها را در آموزشکده‌های خاص فرا می‌گیرند.

اورینا فالاجی، نویسنده و روزنامه‌نگار سرشناس ایتالیایی، در کتاب "جنس ضعیف"، پس از دیدار از یک آموزشکده‌ی گیشایی در ژاپن، چنین می‌گوید:

«کارآموزان گیشاگری، همانند کلکسیون پروانه‌هایی در قاب شیشه‌ای، مُرده به نظر می‌رسیدند. تنها تشابه‌شان با پروانه، فقط در کیمونوهای

رنگارنگشان بود. کسی جرئت پرسش و پاسخ با آنها را نداشت. در غیر این صورت، ضربیه‌ی خط‌کش مربی‌اش از روبرو، او را به خود می‌آورد. آنچه نویسنده کتاب، تلاش کرده تا در قالب داستانی از زندگی یک دختر بچه روایت کند، در واقع رنج هزاران هزار زنی است که در سیستم دبیرنه و سستی ژاپن ناخواسته به خدمت در چای‌خانه‌ها درآمده‌اند. سیستمی شکل گرفته از مردانی که نمی‌خواهند با ظاهر شدن در مجامع عمومی با همسرانشان، آنها را از مسائل کاری خود آگاه سازند. از این رو با استخدام یک گیشا در چای‌خانه، همشین و مصاحبه‌گانه برای درد دل، برای خود فراهم می‌آورند.

زائیده‌ی این سنت، گیشاهایی هستند که هر نوع احساس، عاطفه و شور و شوقی را برای زندگی در وجود خود می‌کنند و همانند آرایش سفید و بی‌روح چهره‌شان، تبدیل به عروسک‌هایی عاری از احساس می‌شوند. زنانی که در میان‌سالی هیچ نام و نشانی از هویت و خود واقعی‌شان ندارند.